

دختران من

محمد حیدری

(بابا حیدر)

(۱۹)



انتشارات راز نهان

۱۳۹۸

سرشناسه	: حیدری، محمد، ۱۳۲۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: دختران من/مؤلف محمد حیدری (بابا حیدر).
مشخصات نشر	: تهران: راز نهان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۶ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۸-۷۷۵-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: حیدری، محمد، ۱۳۲۹ - یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره
زبان	: نشر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian prose literature -- 20th century
رده بندی دنگرد	: PIR۸۰۳۱
رده بندی دیوید	: ۸۶۲/۸۶۸
شماره کتابخانه ملی	: ۵۹۳۱۸۳۷

آدرس: تهران، انقلاب، اول جمال زاده جنوبی، کوچه دانشور، پلاک ۱۲، واحد ۲ شماره تماس: ۰۲۱۶۶۹۰۱۸۴۱ - ۰۹۱۲۲۳۰۲۶۹

ایمیل: raznahanbook@gmail.com

آدرس وبسایت: www.raznahanbook.com



عنوان کتاب	 دختران من
مؤلف	 حیدری (بابا حیدر)
صفحه آرا	 رضا کاوه
طراح جلد	 مدینه حیدری
کویر استار	 حمید حسینی بیرازی
ناشر	 راز نهان
شمارگان	 ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ	 اول ۱۳۹۸
قیمت	 ۲۶۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-448-775-7

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۲۳	«نامه»
۲۹	ایرج میرزا و مادر
۳۴	«نامه‌های پدری به دخترش»
۴۰	مادر، همسر و دختر
۴۲	من چگونه دخترانم را شناختم؟
۴۶	«کودکان»
۴۷	مادران
۵۰	دختران من
۶۱	ناز نازی من!
۷۶	«ایران درودی»
۷۹	خورشید
۸۳	نامه‌ی دیگر
۸۹	چشم سیاه
۹۰	دو تا قصه

- و- اما «فرهاد...» ۱۰۴
- دخترانم، مادرانم ۱۰۸
- آراسته و آگاه ۱۱۹
- «خصلت انفعالی...» ۱۲۳
- «انسان» ۱۲۴
- بابا لنگ دراز ۱۲۶
- حتر یک آدم چقدر می‌تواند یاد بگیرد؟ ۱۲۹
- آبوزگارانِ جدید من ۱۳۴
- نامه‌ای دِ داوورا ۱۴۱
- پیامی از عشق و ایستادن ۱۴۸
- «تازه عروس» ۱۵۶
- زبانِ زندگی ۱۶۴
- «عکس کودک من» ۱۷۲
- «پرویز» ۱۷۷
- «داستانی شگفت انگیز!» ۱۷۸
- «قلب آدمیان» ۱۸۱
- عشق، زندگانیت ۱۸۳
- روزِ مادر، یا... دختر؟ ۱۸۶
- آرزوها به آرامی برآورده به خیر می‌شوند ۱۹۱
- سخنانی از «خود» زندگی ۲۱۷
- نامه‌ای دیگر به دخترانم ۲۱۹
- دخترم! سزاوارترین، به زیستن ۲۲۸
- تا به آنجا که، خداست... ۲۳۴

- ۲۳۹..... دخترانِ بابا حیدر
- ۲۴۰..... چه چیزی موجب شد؟!.....
- ۲۴۳..... «صنعتگر آسمانی»
- ۲۴۵..... از «زن»!!!.....
- ۲۴۶..... اتحاد و هم رأیی.....
- ۲۴۹..... یبها!.....
- ۲۵۱..... داشت‌های دخترانه.....

مقدمه

ما از دخترانمان چه می‌دانیم؟

دنیای آدم‌ها، اگر به دقت زیر نظر گرفته شود، در عین سادگی، بسیار شگفت‌انگیز می‌سازد. بیاییم که، با همه‌ی باخبری - بی‌خبری و ندانم‌کاری، در آن موج می‌زنند. نادیده انگاشتن خیلی از واقعیت‌های روزمره و غفلت و تجاهل عمدی - فاجعه‌ها را می‌زند.

آری، از آن جمله، اینکه در رابطه با «مادران» مطالب بسیاری به گوش می‌رسد، گفته، نوشته، سروده، خوانده و شنیده می‌شود. چه در قالب کتاب مانند کتاب مادر «ماکسیم گورکی»، مادر «برل باک»، مادر «توران میرهادی» و... که بسیارند و بی‌شمار. و نیز در گروه خودمان هر شاعری برای خالی نبودن عریضه‌اش، شعری هم در مقام مادر، سروده است. اما:

«ما روی خود ز راه سعادت نتافتیم

پیران ره، به ما نمودند راه راست» پروین